

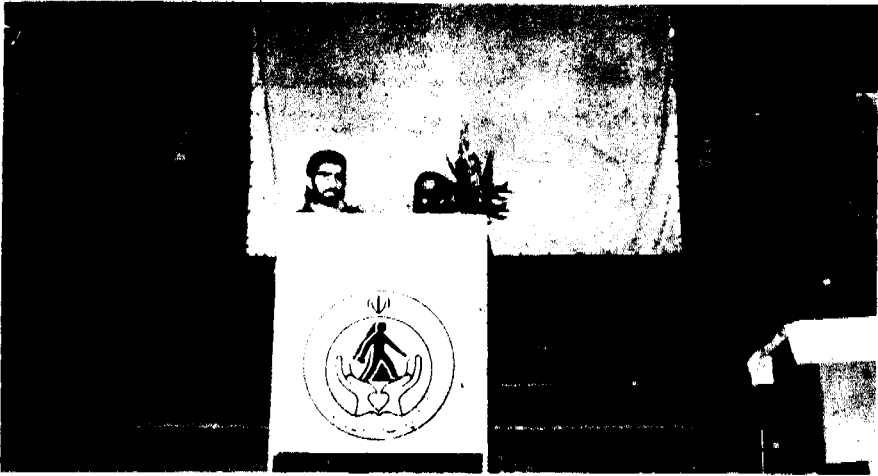
هدف اساسی برقراری رابطه با اولیاء ، درک احساسات و اعتقادات آنها نسبت به مدرسه ، استفاده از توانائیهای آنها در جهت کمک به اهداف آموزشی و بالاخره ایجاد تغییر در خود آنها در راستای هدفهای مذکور است .

چگونه با اولیاء روابط حسنه برقرار کنیم

شورہٴ شاہِ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علمی و تحقیقاتی





نگرش ها ، اعتقادات و توجه مدیریت به اصولی که سبب برقراری روابط حسنه با اولیاء بشمار می آید اهمیت فراوانی دارد . جادارد که هر مدیر علاقمندی نگرشها و اعتقادات خود را نسبت به عوامل اساسی برقراری رابطه با اولیاء مورد ارزشیابی قرار دهد و بداند تا زمانی که انسان آمادگی روانی لازم را برای پذیرش آنها کسب نکرده و از صمیم دل به آنها ایمان نداشته باشد ، قادر به برقراری رابطه با اولیاء نخواهد بود . بدون داشتن چنین نگرشها و اعتقاداتی هر کوششی به سمت برقراری رابطه با اولیاء مصنوعی و ساختگی می نماید . و نهایتاً " بی ثمر و خالی از فایده خواهد بود . اهم این اعتقادات و نگرشها عبارتند از :

۱- مدیر باید بداند که اولیا ، نسبت به سرنوشت فرزندان خود علاقمند هستند و برای پیشرفت و سعادت آنها از هیچ اقدام و یا کمکی دریغ نمی ورزند . آنها نسبت به برنامه های مدرسه حساس بوده و عکس العمل نشان می دهند .

۲- مدیر باید به قدرت اولیاء ، مردم و رهبران

۳- مدیر باید به تمام ویژگیها و خصوصیات فرهنگی ، اخلاقی ، اجتماعی ، سیاسی و مذهبی جامعه و همینطور اولیاء آشنا باشد .

۴- مدیر باید اعتقاد داشته باشد که دانش آموز کلید ارتباطات موثر و حلقه اتصال خانه و مدرسه است .

۵- مدیر باید بداند که پیشرفت سازمان مدرسه در امر تربیت و تعلیم دانش آموزان از طریق پشتیبانی اولیاء و افراد جامعه بهتر و سریع تر انجام می گیرد و باید در بدست آوردن پشتیبانی آنها از مدرسه و مدیریت ، همه اعضای مدرسه ، شورا ، مدیریت ، کارکنان ، معلمان ، دانش آموزان و والدین با هم همکاری داشته باشند ، جلب توجه و همکاری افراد تشکل ، سازمان دهی و رهبری آنها بر عهده مدیر است .

۶- مدیر باید بپذیرد که بهترین راه

دانش آموزان و ایجاد نگرش مثبت در اولیاء نسبت به مدیریت و مدرسه راهی موثر در برقراری روابطه انسانی است .

۱۲- مدیر باید بداند که اصل اساسی استحکام روابط برپایه پیوندهای روانی و عاطفی و فکری است و اهداف مادی سایر جنبه‌های روابطه اساسی را تحت الشعاع قرار میدهد . او می‌داند که پیوندهای روانی ، عاطفی و فکری مقدم بر پیوندهای مادی هستند و هرگاه جنبه اول حاصل شده باشد ، جنبه دوم نیز خودبه‌تبع حاصل خواهد شد .

هدف اساسی برقراری رابطه با اولیاء درک احساسات و اعتقادات آنها به مدرسه ، استفاده از توانائیهای آنها در جهت کمک به اهداف

پشتیبانی اولیاء از برنامه‌ها و امور مدرسه ، شرکت دادن آنها در وظایف ، مسئولیتها و عملیات است .

۷- مدیر باید در مورد اهداف ، طرحها و نتایج برنامه‌ها ارتباط دوجانبه‌ای بین مدرسه ، اولیاء و جامعه برقرار کند .

۸- مدیر باید بداند نگرش مثبت کارکنان و معلمین مدرسه نسبت به اولیاء و نقش آنها در کارکنان اساسی بوجود آوردن پشتیبانی از مدیریت و مدرسه و برقراری روابط انسانی است .

۹- مدیر باید برای اطمینان از اینکه همه کارکنان به وظایف خود در ارتباط با جامعه و خانه از قبیل مسئولیتها ، وظایف ، فرصتها و محدودیتها آگاهی کامل دارند ، در زمانهای معینی اثر بخشی کار آنها را مورد ارزیابی قرار دهد .



۱۰- مدیر باید بداند برقراری روابط بانگیزه

برعلاقی ، توانائیها ، و نیازهای اولیاء سریعتر شکل می‌گیرد .

۱۱- مدیر باید بداند که بیان احساسات مثبت و سازنده و دلسوزی نسبت به سرنوشت

آموزشی و بالاخره ایجاد تغییر در خود آنها در راستای اهداف مذکور است . بدین طریق مدیر باید بتواند برای برقراری رابطه‌ی حسنه تغییرات مطلوب را در احساسات ، ادراکات



اعتقادات ، طرز تلقی هاو در نتیجه رفتار افراد یا اولیاء بوجود آورد تا با اهداف سازمان آموزشی و رسیدن به آنها هماهنگی لازم بوجود آید .

اولین سنگ زیر بنای ایجاد رابطه حسنه پس از شناخت خود ، شناخت احساسات افراد دیگر است که به سه شکل وجود دارد .

۱- احساسات مثبت که عواطفی سازنده و خود کاوانه از قبیل احساس امنیت ، شادی ، اعتماد به نفس ، ارزشمندی ، عشق ، محبت ، خوش بینی حق شناسی ، رضایت ، پذیرش زیبایی و غیره هستند .

۲- احساسات منفی و نگران کننده که شامل احساس ترس ، گناه ، رنج ، رنجیدگی ، افسردگی ، پوچی ، دشمنی ، بدبینی ، عدم اعتماد و اطمینان ، شک و تردید ، دشمنی ، ستیز ، عدم پذیرش ، زشتی و غیره می باشند .

۳- احساسات دوگانه و متعارضی که فرد در یک لحظه دو احساس متضاد نسبت به یک موضوع داشته و او را وادار به درگیری و کشمکش روانی می سازد . احساسات متعارضی را می توان در مفاهیم شادی و غم ، خوش بینی و بدبینی اعتماد و عدم اعتماد ، عشق و نفرت ، امنیت و دلهره ، رضایت و عدم رضایت بیان کرد . در این بیان ، فرد دچار حالت سردرگمی ، عدم قاطعیت در تصمیم گیری و تلون مزاج و خلق است .

پس از آنکه مدیر احساسات افراد را مورد شناسائی قرار داد باید نسبت به تقویت و یا تغییر آنها در سمت مطلوب کوشش کند . مدیر باید یاد بگیرد که احساسات منفی دیگران را نسبت به مدرسه با ایجاد جو اعتماد و امنیت برطرف و در مقابل احساسات مثبت و سازنده

خود راه اولیاء منتقل سازد . یکی از روشهای تغییر احساسات منفی و یادگانه به احساسات مثبت ، دادن اطلاعات و شرکت دادن اولیاء در امور مدرسه است . بسیاری از نگرشها و احساسات منفی در اثر ناآگاهی یا دادن اطلاعات نادرست بوجود می آید که راه مقابله با آن ایجاد شناخت و زمینه های قضاوت درست می باشد . چه بسیار از اولیاء خشمگین و ناراضی که با شنیدن دلایل و براهین مدیر و درک واقعیت و حقیقت امر از طریق گرفتن اطلاعات درست ، در نگرش خود نسبت به مدرسه و مدیر تجدید نظر کرده اند . شاید این بیان که "الناس اعداء علی ما

مخصوصاً" در اسلام هم رعایت این مسایلی توصیه شده است و دستورات اسلام عزیز در همه موارد درسا می باشد.

سؤال: اولین بخشنامه‌ی سراسری که به‌امضای شما دیدیم، تأکید بر عدم تنبیه بدنی در مدارس بود که البته با توجه به تخصص شما مورد انتظار هم بود. با توجه به این که خانواده، محرواصلی تربیت فرزندان مامی باشد، تقاضا می‌کنیم نظر خود را در باره‌ی تنبیه بدنی توسط والدین بیان کنید.

اکرمی: اگر به روش‌های تربیتی اسلام تعمق کنیم و خانواده‌ها را بیشتر به آنها توجه دهیم از تنبیه بدنی خودداری می‌کنند، به‌طور اجمال روش تربیتی در اسلام، روش مؤدبه دادن و برحذر داشتن است. یعنی ابتدا هشدار داد تا مشکلات را بشناسند، سپس مؤدبه داد که اگر راه‌های صحیحی را بروند، نتایج مثبتی خواهند گرفت و اگر راه‌های خلافی بروند به نتایج سوئی خواهند رسید.

اثمه‌ی معصومین هم در مورد کودکان دستور داده‌اند بیشترین تنبیه برای کودک قهر کردن و قطع ارتباط عاطفی است، ولی نباید زمان آن زیاد باشد. در دستورات تربیتی بزرگان نیز، چیزی از تنبیه بدنی گفته نشده، امیدواریم با بالارفتن فرهنگ خانواده‌ها، آنها بدانند که تنبیه بدنی چه عواقب بدی برای فرزندان‌شان خواهد داشت و حتی ممکن است منجر به نقص عضو شود. با کمال تأسف باید گفت که گاهی معلمین هم تنبیه بدنی می‌کنند و حتی شنیده‌ام برای تنبیه و ایجاد ترس در بچه‌ها، اقدام به روش‌های نامطلوب می‌شود، امیدوارم هیچ معلمی تنبیه بدنی و یا ایجاد رعب و وحشت نکند.

متن مصاحبه، روزنامه، اطلاعات باوزیر آموزش و پرورش پیرامون برخی مسائل پرورشی



سؤال: با توجه به نتیجه‌ی بررسی‌های انجام شده در این مرکز، در زمینه‌ی علت ناشنوایی نوزادان که عبارت است از ۲۷ درصد نسبت فامیلی، ۴ درصد ارثی بدون نسبت فامیلی (ناشنوایی والدین)، ۴ درصد بیماری‌های زمان بارداری مادر، ۵ درصد مشکلات حین تولد، ۱۹ درصد بیماری‌های بعد از تولد و بالاخره ۲۱ درصد علت مشخص نشده، آیا ضرورت تهیه‌ی برنامه‌هایی جهت بالابردن آگاهی خانواده‌ها در زمینه پیش‌گیری از طریق صدا و سیما یا مراکز ذی صلاح دیگر مورد نظر شما می‌باشد؟ و اساساً چه پیشنهاداتی در این زمینه ارائه می‌فرمایید؟

اکرمی: همان‌طور که در پاسخ به سؤال‌های قبلی گفته شد با وعده‌ی مساعدت صدا و سیما و مطبوعات، باید از آنها همکاری بخواهیم تا این نوع مطالب را به اطلاع برسانند، از جمله‌ی پیوند و انجمن اولیاء و مربیان نیز در این مورد کمک بخواهیم. باید مردم تمام عوامل ایجاد معلولیت‌ها را بدانند و بشناسند، به خصوص عامل عمده را که ازدواج‌های فامیلی است.